

سرقه آب ؟

دارد نیز ممکن است مورد تعدی و تجاوز واقع گردد. در اینصورت کدام ماده از قانون کیفر مشمول این عمل است؟ بنظر بعضی این عمل نیز سرقت محسوب است چه ربودن مال غیر در مورد آب متعلق بغير که صاحب آن در خانه نشسته و گنهکار در غیاب او بتغییر جریان و استفاده از آن مبادرت میکند عیناً سرقت صادق است و اگر هم از نظر اصول کلی شکمی در امکان وقوع سرقت بوسیله بردن آب داشته باشیم همان ماده ۲۶۲ و جمله «... بواسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق آنست ۰۰۰» تردید مارا مرتفع ساخته و میتوانیم از نظر قانون هم تصریح بسرقت را در موضوع آب مورد استفاده قرار دهیم منتها اگر عمل مزبور مشمول شرایط و حالات ماده ۲۶۲ نگردد ناچار مواد ۲۲۵ و بعد از آن که حالات مختلفه سرقت را پیش بینی کرده قابل استناد خواهد بود.

ولی بنظر نگارنده این تفسیر بدلائل زیر قابل قبول نیست:

۱- سرقت منحصرأ در اموال منقول امکان پذیر است و اگر بمواد مربوطه در قانون مدنی مراجعه کرده اصول کلی در علم حقوق را هم در نظر گیریم حتی اشیاء منقول هم وقتی وابسته بزمین و یا مخصوص امر کشاورزی بوده و یا برای اینکار اختصاص داده شود از نظر حقوق قضائی غیر منقول محسوب و کلیه آثار مترتبه بر این اشیاء از آنها هم نتیجه میشود مثلاً در مورد گاو و گوسفند و اسبابهای مربوطه بشخم و هر چه که برای زراعت لازم و صاحب آن اشیاء مزبور را برای این کار اختصاص داده باشد تمام غیر منقول و در نتیجه در موقع معاملات نیز جزء آن محسوب میشود.

در شهرستان و دهستانهای کم آب و آنجا که قدر این عامل مهم طبیعت درزندگی بشر بسیار عزیز و بعالت خشکی هوا و تبخیر زیاد همه کس در طلب آبست غالباً دعاوی بین مردم نیز بر سر همین موضوع و حتی وقایع خونین هم نتیجه آن میشود.

پس بيموقع نخواهد بود اگر گناهان ناشیه از این مقصود (تحصیل آب بهر نوع که میسر باشد) و بالاخص بردن آب دیگری را مورد توجه قرار دهیم.

قانون کیفر عمومی ایران در ماده ۲۶۲ یکنوع از این گناه را در نظر گرفته و مجازات فاعل آن را پیش بینی کرده است باین طریق:

ماده ۲۶۲ - اشخاص ذیل بحبس تأدیبی از ۸ روز الی سه ماه یا بتأدیه غرامت از ۱۰ الی ۲۰۰ تومان محکوم خواهند شد:

اولاً- هر کس حاصل دیگری را بچرانند یا تا کستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند «یا بواسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق آنست یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن گردد»

پس هر گاه کسی آب متعلق بغير را که برای مشروب ساختن «باغ میوه یا تا کستان یا نخلستان» می رود قطع و برای خود ببرد بکیفر مقرر در این ماده خواهد رسید.

ولی همیشه قطع آب بطرز فوق و با شرایط سه گانه مندرج در ماده ۲۶۲ انجام نمیگیرد بلکه آب مخصوص بمحصولات کشاورزی یعنی غلات و امثال آن و یا اساساً آبی که بمصرف هیچ يك از امور زراعتی نرسیده بلکه خاصیت شرب و استفاده حوائج شهری

پس کدام عامل زراعتی بهتر از آب برای امور کشاورزی یا مشروب ساختن باغ و درخت و امثاله اختصاص داده شده؟

آب فقط دريك مورد ممکن است منقول گردد و آن وقتی است که برای مصرف های دیگر بوسائلی که وابسته بزمین نیست از آن جدا گردد و آنها در موارد استثنائی است - حتی وسائل لوله کشی آب و خود آن آب مادام که در لوله ها جریان دارد و از زمین بوسائل مصنوعی مجزا نشده غیر منقول محسوب میشود.

۲ - از نظر قانونی ماده ۲۶۲ نیز برله این نظریه قابل استناد است چه اگر فرض کنیم آب شیئی منقول باشد چون شقوق دیگر سرقت و استفاده از آب راماده نامبرده در نظر نگرفته و منحصرأ آب متعلق و مخصوص باغ و نخلستان و تا کستان را مورد توجه قرار داده که یا باید بگوئیم سایر حالات گناه نیست و با سکوت قانون و تفسیر آن بفتح متهم باید قضیه را حقوقی دانست و یا اگر بخواهیم سایر حالات را مضمون مواد مربوطه بسرقت بدانیم علاوه از عدم انطباق مجازات بردن آب متعلق بغير و مخصوصاً آبی را که قطع و بردن آن موجب خشکی محصول و تضييع آن نمیگردد زیاد تر از کیفر فاعل اینکار که نتیجه عملش شدید تر است دانسته ایم حتی بنظر بعضی قطع و بردن آب در صورتی قابل تعقیب و کیفر است که منطبق باماده ۲۶۲ گردد والا قابل مجازات نیست.

از طرف دیگر چنانچه گفتیم سرقت منحصرأ در اشیاء منقول و قابل حمل و نقلی است که گرچه در مورد همان اشیاء و ادوات زراعتی هم که وابسته بزمین میباشند ممکن است صادق گردد ولی در مورد آب که بجز نقل آن بطروف و انبارهای متحرك منقول نمیشود موضوع سرقت قابل استناد نیست چه از حالات و تعبیرات خود قانون و موارد متعدده و کیفیات مخصوص بسرقت

که شکستن حرز و سرقت در محلهای مستعد برای سکونت و یا بنگاههای عمومی و مسجد، حمام و یا سرقت اشیائی که کمتر از ۱۵۰ ریال ارزش داشته باشد (برای معافیت از کیفر) و بطور کلی از مجموع مواد مربوطه بسرقت چنین فهمیده میشود که قانونگذار منحصرأ نظرش اشیاء قابل نقل و انتقال و آنچه که عرفاً و مستقلاً و خاصه « ماهیتاً » منقول است بوده و موضوع آب را که اگر جهات عادی و کیفیات بردن آنرا در نظر گیریم مضمون هیچیک از مواد سرقت نخواهد شد. در نظر نداشته است چنانچه اشکالات زیادی هم که در انطباق عمل با مواد مختلفه سرقت پیش خواهد آمد بخوبی ثابت میکند قانون گذار نظرش بانطباق مورد آب با سرقت نبوده است.

۳ - کیفر مقرر برای کسی که قطع آب از تا کستان و امثال آن نموده و موجب تضييع آن شده از هشت روز تا سه ماه و یا تأدیه غرامت « از ده تا دویست تومان » است بنابراین کیفر مزبور بسیار و بمراتب خفیف از کیفر مقرر در مواد ۲۲۵ تا ۲۲۷ است و این خود بهترین دلیل بر عدم انطباق مورد با سرقت میباشد حال ممکن است چنین ایراد نمود که با فرض عدم انطباق مورد با سرقت پس بردن آب غیر باید بدون کیفر مانده و موجب تشویق مردم در تعدی باین حق گردد؟

هر چند جواب این پرسش از نظر حقوقی مشکل نیست و بسیاری از اعمال زشت و یا خلاف اخلاق و شئون اجتماعی هستند که مدت ها بعد از وضع قانون کشف و بعداً بموجب قوانین مؤخر گناه میشود تحول و سیر تکاملی قوانین بهترین شاهد این معنی است.

با این طریق بردن آب بوضع کنونی قانون کیفر نیز غیر قابل تعقیب نیست بلکه ماده دوم قانون جوازای ۱۳۰۲ که هنوز هم بقوت خود باقی است با مورد بردن آب غیر قابل انطباق است. دکتر ع. اخوی